

### سفر به کرمانشاه

دانشمندان زندگی انسان را آغاز تاکنون، به چند دوره تقسیم کرده‌اند و یکی از اولین دوره‌ها را «دوران پارینه سنگی» نامیده‌اند.

درنا وقتی شنیده بود که قرار است همراه خانواده و دایی اش به یکی از هشت شهر قدیمی دنیا برود؛ از شدت هیجان خوابش نمی‌برد. برای همین سراغ پدرش رفت تا اطلاعات بیشتری در مورد سفر به دست آورد. پدر گفت: ما می‌خواهیم به استان کرمانشاه برویم. این استان در دامنه رشته کوه زاگرس قرار دارد و از نخستین زیستگاه‌های انسان بوده است. حتی نشانه‌هایی از زندگی بشر در دوران پارینه سنگی در آن دیده شده است. در این استان آثار باستانی زیادی قرار دارد؛ اما بهتر است بقیه‌ی اطلاعات را خودت در مدت سفر به دست آوری و الان هرچه زودتر بخواب تا صبح زود راه بیفتیم. فردای آن روز، صبح زود حرکت کردند؛ پس از طی مسیر از گردنه‌های بسیار زیبایی عبور کردند و به باغ‌های پر از میوه رسیدند که در ۱۲۰ کیلومتری غرب کرمانشاه قرار داشت و بعد از دقایقی وارد شهر باستانی «سرپل ذهاب» شدند.

پدر گفت: «در این شهر قدیمی‌ترین اثر هنر معماری ایران، یعنی کتیبه‌ی «آنویانی‌نی» قرار دارد و بهتر است دیدار ما از آنجا شروع شود.» آن‌ها بعد از دیدن این اثر قدیمی و نقش برجسته‌های روی سنگ به سمت کرمانشاه به راه افتادند.

آن‌ها در شهر کرمانشاه و از مکان‌های دیدنی شهر مانند: طاق بستان و چشمه‌های فراوان و سراب نیلوفر دیدن کردند.

در ادامه‌ی راه، در ۳۰ کیلومتری شهر کرمانشاه، کوهی با دیوارهای عظیم سنگی وجود داشت. دایی جان گفت: «بچه‌ها این کوه به «بیستون» معروف است و بر دیواره‌ی این کوه کتیبه‌هایی از زمان هخامنشیان باقی مانده است که این کتیبه‌ها شهرت جهانی دارند. در پای کوه بیستون، از دل سنگ چشمه‌ای زیبا، آب زلالی را به خاک زرخیز کرمانشاه هدیه داده است. وجود این چشمه، زیبایی این منطقه را صد چندان کرده است.

درنا و برنا که از سفر به این شهر باستانی بسیار لذت برده بودند، از پدر و مادر خواستند که یک بار دیگر همراه با پدر بزرگ و مادر بزرگ به این استان زیبا سفر کنند.

## بخوان و بدان



به این کلمه‌ها دقت کن: لبه، گردنه، دسته،

همه این کلمات از دو بخش ساخته شده‌اند:

گرددن + ه ← گردنه

دست + ه ← دسته

لب + ه ← لبه

هر گاه پسوند «ه» به انتهای کلمه‌ای اضافه شود واژه‌ی جدیدی با معنای تازه‌ای ساخته می‌شود. ★

## املا دان



همانطور که می‌دانید حل جدول علاوه بر گسترش دامنه‌ی لغات، املا را نیز بهبود می‌بخشد.

حال با توجه به متن درس جدول زیر را تکمیل کن و با به کار بردن کلمات داخل جدول در یک متن، به دوستت املا بگو.

ب	ی	س	ن	و	ن
گ	ل	ی	م		
ع	ظ	م	ت		
ن	ا	ن	ب	ر	ن
ز	ا	گ	ر	س	

(۱) کوه معروف کرمانشاه **بیسون**

(۲) سوغات و صنایع دستی کرمانشاه **کشمیر**

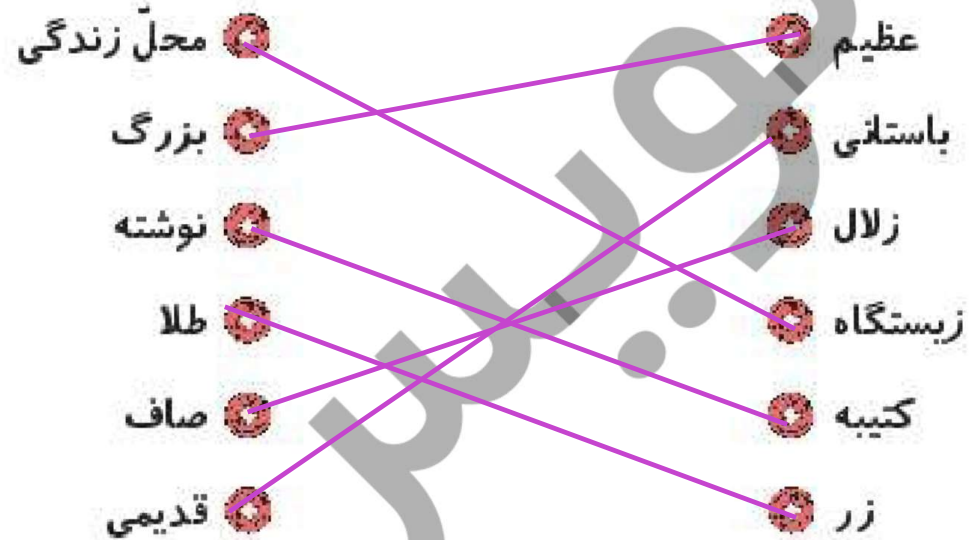
(۳) هم‌خانواده عظیم **عفت**

(۴) از شیرینی‌های خوشمزه‌ی کرمانشاه **مان برنجی**

(۵) استان کرمانشاه در دامنه کوه **زاس** قرار دارد.

کلمات هم معنی را وصل کن.

۱



۲ درستى  و نادرستى  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: «بیستون، در ۱۲۰ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد.»

ب: سراب نیلوفر از آثار دیدنی شهر کرمانشاه است.

پ: خانواده‌ی درنا صبح زود حرکت کردند.



درس آزاد ▶ درس هشتم

۲ با توجه به درسنامه کلمات مناسب را پیدا و مانند نمونه، جاهای خالی را کامل کن.

دسته	←	د	+	دست
لبه	←	ب	+	لب
	←	د	+	گردن
	←	د	+	حیث
	←	د	+	داس

دسته‌ی صندلی امیر کوتاه است.

۴ الف: با توجه به متن درس، به سؤالات زیر پاسخ بده.

ب: قدیمی‌ترین آثار باستانی ایران در کدام شهر قرار دارد، نام آن اثر را بنویس.

کربانشاه - آروباخی‌نی

پ: کنیبه‌های روی کوه پیستون، مربوط به کدام دوره می‌باشد؟

دوره عصامنشیان

۵

تحقیق کن و یک بند درباره‌ی شهر کرمانشاه بنویس.

به همراه دانش آموز

۶

تحقیق کن چه آثار باستانی دیگری در شهر کرمانشاه قرار دارد؟

به همراه دانش آموز

فلسفی چهارم دبستان



من زیر را بحوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

می‌گویند یک نفر مهمان قاضی شهر همدان بود. زمستان بود و هوا بیش از اندازه سرد. شب را تا صبح کنار بخاری و زیر کرسی داغ در کنار قاضی گذراند. قاضی هر از گاهی از سرما می‌نالید و به میهمانش می‌گفت: «می‌بینی چقدر هوا سرد است؟»

صبح که شد مهمان قاضی از خانه بیرون رفت تا در شهر گردش کند. لباس‌های گرم پوشید و راه افتاد. ناگهان در کنار گذرگاه چشمش به فقیر دانا و آگاهی افتاد که فقط با یک پیراهن ساده کنار دیواری نشسته بود و کار می‌کرد.

مهمان قاضی پیش او رفت و دید که انگار برای آن مرد فقیر زمستانی نیامده است. تعجب کرد و پرسید: «با این یک لا پیراهن در این هوای سرد، سرما نمی‌خوری؟»

دانای فقیر خندید و گفت: «نه نمی‌خورم. سرمای ما را قاضی همدان می‌خورد.»

«قوت کوزه گرمی»

الف: داستان ما در چه فصلی اتفاق افتاده بود؟

زمستان

ب: چرا مهمان قاضی از فقیر دانا تعجب کرد؟

به خاطر اینکه باید پیراهن ساره نشسته بود و سرش نبود

پ: منظور فقیر از سرمای ما را قاضی همدان می خورد، چه بود؟

قاضی خواجواه بود همه را برای خودش میخواست ، حتی سرمای خود را

ت: به نظر تو این داستان چه پیامی دارد؟

به علاوه دانش آموز

